

مجله‌ی سیاست دفاعی

سال بیست و چهارم، شماره‌ی ۹۶، پاییز ۱۳۹۵

پایگاه‌سازی نظامی در غرب آسیا (خاورمیانه) و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران

سید جواد صالحی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۴/۱۰

عباس فرح بخش^۲

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۲۵

صفحات مقاله: ۶۵ - ۳۳

چکیده:

در دوره کنونی با افزایش اهمیت مناطق، سیستم هژمونیک برای حضور نظامی، حمایت از طرح‌های منطقه‌ای، پیشگیری و مقابله با تهدیدات متنوع و اعمال سیستم بازدارندگی، ایجاد پایگاه‌های نظامی در حوزه مناطق را به مثابه ابزاری جهت اعمال قدرت ضروری می‌داند. حضور نظامی آمریکا در مناطق مختلف جهان، از جمله غرب آسیا (خاورمیانه) به‌عنوان یکی از مناطق مهم و راهبردی، در قالب پایگاه‌های نظامی متنوع (زمینی، هوایی، دریایی و...) قابل تصور است. این پایگاه‌ها در خط مقدم تلاش‌های نظامی و امنیتی آن کشور در تسلط بر مناطق مختلف جهان و نیز باقی ماندن در چرخه راهبردی قدرت است. یازده سپتامبر، جنگ علیه تروریسم و اشغال عراق، نقش شبکه جهانی پایگاه‌های نظامی آمریکا را در حفاظت و پیشبرد منافع آمریکا برجسته‌تر نمود. از منظر قدرت هژمون، ایران به‌عنوان یک واحد ناراضی، تهدیدایی عمده برای منافع آمریکا در منطقه غرب آسیاست؛ بنابراین، ایران در معرض تهدیدات مستقیم آمریکا قرار دارد و مقابله با تهدیدات این کشور از جمله ضروریات اساسی محسوب می‌شود.

در این راستا، موضوعی که اهمیت می‌یابد تفکر درباره مدل بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران است. سؤال مهمی که مطرح می‌شود این است که «وجود پایگاه‌های متعدد نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا چه تأثیری بر مدل بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد؟» پژوهش حاضر بر این باور است که پایگاه‌های نظامی با اعتباربخشی به تهدیدات و توانایی اعمال تهدیدات سبب می‌شود که ایران با محدودیت چرخه راهبردی روبرو گردد، اما این پایگاه‌ها، مدل بازدارندگی دیپلماسی را به سمت بازدارندگی مثالی غیرمستقیم تغییر جهت می‌دهد و به همین سبب دیپلماسی دفاعی می‌تواند در خدمت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

* * * * *

۱ - استادیار علوم سیاسی دانشگاه شیراز؛ دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

۲ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی

واژگان کلیدی

های نظامی، بازدارندگی، منطقه غرب آسیا، ثبات هژمونیک، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

آمریکا به‌عنوان قدرت مسلط در نظام بین‌الملل کنونی مدت طولانی است که به ایجاد و گسترش پایگاه‌های نظامی خود به خصوص پس از ۱۹۴۵، (جنگ دوم جهانی) در مناطق مختلف جهان از جمله غرب آسیا (خاورمیانه) اقدام نموده است. در دوران جنگ سرد و رقابت دو ابرقدرت در قالب پیشگیری از نفوذ و گسترش کمونیسم به پایگاه‌سازی مبادرت می‌ورزید و پس از ۱۱ سپتامبر در قالب مبارزه با تروریسم در صدد گسترش پایگاه‌های نظامی خویش است. پس از فروپاشی نظام دوقطبی و شکل‌گیری سیستم هژمونیک، آمریکا به‌عنوان قدرت هژمون در رأس این سیستم قرار گرفت. پایگاه‌سازی آمریکا در واقع و نیز بر اساس تئوریک در راستای حفظ و گسترش این قدرت برتر صورت می‌گیرد. این کشور تمام مناطق دنیا را محدوده راهبردی خود می‌داند و البته غرب آسیا به‌عنوان یکی از ژئواستراتژیک‌ترین مناطق دنیا از اهمیت بسیار زیادی برای ایالات متحده برخوردار است.

بر این اساس، در غرب آسیا به‌عنوان یکی از مناطق حساس، پایگاه‌سازی نظامی توسط کشورهای مداخله‌گر و به خصوص آمریکا همواره مورد توجه بوده است. امروزه نقش‌های سنتی پایگاه‌ها مانند دفاع از یک متحد یا متحدان و بازدارندگی هم‌چنان مطرح باقی مانده است. هم‌چنین پایگاه‌های نظامی ابزاری مهم برای کشورها جهت طرح‌ریزی قدرت، کنترل مناطق، حفاظت از منافع در خارج از کشور و افزایش نفوذ سیاسی است.

قدرت‌های منطقه‌ای از جمله بازیگران تأثیرگذار در موفقیت یا شکست بازدارندگی هستند. ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، با دارا بودن موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک حساس در غرب آسیا در دوران پهلوی به‌عنوان یکی از هم‌پیمانان مهم آمریکا در غرب آسیا محسوب می‌شد، اما با پیروزی انقلاب اسلامی روابط میان ایران و آمریکا در تعارض قرار گرفت، و ایران به صورت یک واحد معترض در مقابل هژمونی آمریکا مطرح شد. حضور

نظامی آمریکا و ایجاد پایگاه‌های متعدد در غرب آسیا به خصوص در اطراف مرزهای ایران و در کشورهای همسایه ایران می‌تواند تهدیدی بالقوه برای جمهوری اسلامی ایران تلقی گردد. بر این اساس، موضوعی که اهمیت می‌یابد؛ تفکر درباره مدل بازدارندگی منطقه‌ای از سوی جمهوری اسلامی ایران است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

منطقه غرب آسیا یکی از بحرانی‌ترین مناطق دنیا محسوب می‌گردد. نظامی‌گری و خرید تسلیحات به خصوص از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس یکی از ویژگی‌های برجسته این منطقه است. بنابراین، منطقه مذکور در دهه‌های اخیر همواره درگیر در معمای امنیت بوده است. علاوه بر این، حضور دولت‌های خارجی به خصوص آمریکا به‌عنوان قدرت مسلط در نظام بین‌الملل از دیگر مسائلی است که این منطقه با آن روبروست. آمریکا در پی مدیریت اوضاع منطقه بر اساس راهبرد خود می‌باشد، در حالی که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های منطقه بر حل مسائل توسط دولت‌های منطقه تأکید می‌کند. رابطه ایران و آمریکا پس از انقلاب همواره در تعارض بوده است. از دیدگاه آمریکا ایران یک دولت معترض نظم موجود محسوب می‌شود. بنابراین همواره سعی نموده است تا با ابزارهای مختلف برای حفظ این قدرت برتر ایران را جهت عقب‌نشینی از مواضع خود تحت فشار قرار دهد. یکی از این ابزارها تهدید نظامی است. افزایش تعداد پایگاه‌های نظامی در اطراف مرزهای ایران و در کشورهای همسایه را می‌توان در این راستا ارزیابی نمود. بنابراین، یکی از موضوعاتی که برای جمهوری اسلامی ایران مهم و ضروری تلقی می‌شود، ایجاد بازدارندگی و تقویت قدرت دفاعی کشور است. به نظر می‌رسد در تحقق این مهم استفاده از یافته‌های علمی - پژوهشی و دانشگاهی می‌تواند مفید واقع گردد.

پیشینه و ادبیات تحقیق

در مورد پیشینه پژوهش با دیدی کلان‌نگر، قابل توضیح است که دسته‌ای از پژوهشگران در دهه‌های گذشته به نوعی تجزیه و تحلیل از سیستم جهانی پرداخته و با بهره‌گیری از روش

سری زمانی ۱ و نیز تغییر و تحولات نظام بین‌الملل در طی قرون گذشته، سخن از سیکل‌های بلند یا چرخه‌های طولانی هژمون‌ها گفته‌اند. از میان آنها به‌طور خاص می‌توان از جورج مدلسکی ۲ نام برد که پنج سیکل بلند را که هر کدام در حدود صد سال طول می‌کشد، در نظر می‌گیرد. هرکدام از این دوره‌ها دارای چهار مرحله است: ۱- جنگ جهانی؛ ۲- ظهور قدرت جهانی؛ ۳- مشروعیت‌زدایی قدرت؛ ۴- افول قدرت، آغاز یک جنگ جهانی دیگر و شروع یک چرخه جدید. (Rosecrance, 1987:287-288)

هم‌چنین ارگانسکی ۳ را که نظریه انتقال قدرت را بیان می‌نماید، می‌توان در این گروه جای داد. ارگانسکی در کتاب سیاست جهان مطرح می‌کند که گذار از یک ساختار به ساختار دیگر، یعنی چالش قدرت فایقه توسط قدرت‌های بزرگ نوپا، به‌طور اجتناب‌ناپذیری همواره با ناآرامی‌ها یا بی‌ثباتی و جنگ‌های عظیم جهانی خواهد بود. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶: ۲۶۵-۲۶۳)

از سوی دیگر، پژوهش حاضر اگرچه موضوعی نو بوده و با این ترکیب موضوعی تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است، با این وصف می‌توان به دو دسته ادبیات پژوهشی در این رابطه اشاره کرد. گروه نخست آثاری که در مورد بازدارندگی منطقه‌ای موجود است و گروه دوم پیشینه پژوهشی مربوط به پایگاه‌های نظامی می‌باشد. از جمله در مورد بازدارندگی ایران می‌توان موارد زیر را نام برد:

قاسمی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «نگرشی تئوریک بر طراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران» با طرح این سؤال که مدل کلی سیستم بازدارندگی ایران در برابر رفتارهای نامطلوب رقیب چگونه بوده است، به بررسی این موضوع می‌پردازد. در راستای پاسخ به این پرسش ایشان معتقد است که ایران به سبب موقعیت ژئوپلیتیکی خود در مرکز ثقل سیاست بین‌المللی و رقابت سیستمی قدرت‌های بزرگ قرار داشته است و به دلیل محدودیت

۱ - Time series

۲ - George Modelski

۳ - A.F.K. Organski

توان داخلی میزان اثرگذاری محیط خارجی بر آن زیاد بوده است. از این‌رو، پیروزی انقلاب اسلامی و سمت‌گیری ایران قدرت یا قدرت‌های بزرگ یکی از مهم‌ترین عناصر در طراحی سیستم بازدارندگی آن به شمار می‌آمده است، و در هر دوره‌ای که اراده داخلی برای طراحی سیستم مطلوب بازدارندگی ایران افزایش داشته، به تبع آن میزان فشارهای خارجی نیز افزایش یافته‌اند. بنابراین، پس از در اعمال نقش به‌عنوان واحد مستقل عملاً تحت فشارهای محیط بین‌الملل قرار گرفته است. ایشان با استفاده از روش سری زمانی، سیاست خارجی ایران از زمان فروپاشی امپراتوری ساسانی تا زمان فعلی را مورد بررسی قرار داده و معتقدند که شناخت محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران نخستین گام در جهت تشخیص مدل بازدارندگی آن خواهد بود.

ری تکیه^۱ و ولی نصر (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «هزینه‌های بازدارندگی ایران» معتقدند که بازدارندگی ایران در کانون سیاست‌های غرب آسیایی آمریکا قرار دارد و دولت بوش با همکاری عرب‌های سنی تلاش می‌کند تا به بازدارندگی ایران پردازد. از این‌رو، مأموریت فعلی آمریکا این است تا موقعیتی را ایجاد کند که در آن ایران منافع خود را در محدود ساختن بلند پروازی‌های خود و پیروی از هنجارهای بین‌المللی بیابد.

قاسمی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران» ضمن اشاره به اهمیت بازدارندگی منطقه‌ای، سیستم بازدارندگی را دارای دو مدل منطقی و فیزیکی می‌داند که دارای گونه‌های مختلفی است. بر این اساس، کاربرد نوع خاصی از مدل در راهبرد کشورها، به متغیرهای ساختاری، جغرافیایی، فناوری نظامی، ساخت نیروهای راهبردی و غیره بستگی دارد. ایشان معتقد است که جمهوری اسلامی ایران باید سیستم‌های بازدارندگی نوع دفاعی از جمله سیستم بازدارندگی شبکه‌ای و غیرمستقیم را در دستور کار راهبردی خود قرار دهد.

۱ - Ray Takeyh

رسولی ثانی‌آبادی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی سیاست هسته‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران: آیا جمهوری اسلامی ایران به دنبال بازدارندگی منطقه‌ای است؟»، بر اساس دیدگاه عده‌ای از تحلیلگران که برنامه هسته‌ای ایران را تلاش در جهت ایجاد بازدارندگی و دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌دانند تلاش می‌کند تا صحت و سقم این موضوع را مورد بررسی قرار دهد. براین اساس با توجه به مواردی مثل نگاه مقامات جمهوری اسلامی ایران به سلاح‌های هسته‌ای، جایگاه این سلاح‌ها در رهنامه دفاعی-امنیتی ایران، پیوستن ایران به معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات و نیز توانایی ایران در زمینه بازدارندگی متعارف، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که منطق سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر خلاف منطق بازدارندگی به هیچ‌وجه دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و قدرت بازدارندگی آن نبوده است چرا که این منطق خود باعث ناامنی برای این کشور می‌شود.

شهرام چوبین^۱ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «بازدارندگی گسترده و ایران»^۲ ضمن اشاره به بازدارندگی در طول دوران جنگ سرد و حال حاضر، بازدارندگی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی این سؤال را مطرح می‌سازد که چگونه بازدارندگی گسترده در مورد ایران می‌تواند کاربرد داشته باشد، و این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که با توجه به استفاده ایران از نیروهای متعارف و موشک‌های بالستیک، ضمانت‌های امنیتی آمریکا برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند سودمندتر از ضمانت‌های هسته‌ای باشد. علاوه بر این، اندرو پارازیلیتی^۳ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «ایران: دیپلماسی و بازدارندگی»^۴ با توجه به دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای بیان می‌کند که هنوز هم دیپلماسی بهترین گزینه برای بازدارندگی ایران است. تیلماچس مورایتی^۵ در مقاله‌ای با عنوان «بازداری ایران»^۶ به بررسی راهبرد بازدارندگی آمریکا

۱ - Shahram Chubin

۲ - Extended Deterrence and Iran

۳ - Andrew Parasiliti

۴ - Iran: Diplomacy and Deterrence

۵ - Tilemachos Moraitis

۶ - Deterring Iran

در قبال ایران پرداخته و بیان می‌کند که ایران در حال افزایش نفوذ خود در غرب آسیاست که این موضوع می‌تواند تهدیداتی را متوجه آمریکا نماید. مورایتی بیان می‌کند که ایران، هزینه اعمال این تهدیدات را با افزایش عرضه نفت تأمین می‌کند. بر این اساس، بهترین حالت حفظ وضع موجود است. حتی اگر ایران به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد، قبل از تهاجم آمریکا از آن استفاده نخواهد کرد.

در مورد پایگاه‌های نظامی، مقالات و نوشته‌هایی که به‌طور مجزا به بررسی این موضوع می‌پردازد از تنوع و گستردگی برخوردار نیست. عبدالسلام مصری (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «گاوهای خشمگین» شکل‌گیری شبکه حضور نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا و حلقه‌های راهبردی این کشور در منطقه را شرح می‌دهد. صمدلی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «تأسیس پایگاه نظامی آمریکا در کشور آذربایجان و امنیت جمهوری اسلامی ایران» بر توجه ایران به موضوع پایگاه‌سازی به خصوص در آذربایجان تأکید می‌کند و معتقد است ایران باید در دو بعد داخلی و خارجی مانع تقویت این‌گونه شکل‌بندی‌ها شود.

شاید بتوان گفت که آثار رابرت هارکوی^۱ (۲۰۰۷) درباره پایگاه‌های نظامی یکی از مهم‌ترین آثار در این حوزه باشند. به خصوص کتاب «پایگاه‌های راهبردی و قدرت‌های بزرگ، ۲۰۰۰-۱۲۰۰»^۲ که به بررسی تاریخچه پایگاه‌های نظامی از زمان امپراتوری مغول و مینگ در چین، پایگاه‌های نظامی آمریکا در دوران معاصر و تا سال ۲۰۰۰ و حتی پس از آن پرداخته است. زادیسلاو لاجووسکی^۳ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «پایگاه‌های نظامی خارجی در اوراسیا»^۴ پایگاه‌های نظامی خارجی در اوراسیا را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده با اشاره به پیشینه تاریخی پایگاه‌های نظامی در مناطق مختلف از جمله اروپای مرکزی، اروپای شرقی، آلمان، شرق مدیترانه، آسیای مرکزی و قفقاز (خارج نزدیک)، آسیای

۱- Robert E. Harkavy

۲- Strategic Basing and the Great Powers, 1200-2000

۳- Zdzislaw Lachowski

۴- Foreign Military Bases in Eurasia

جنوب غربی و شرق آسیا پرداخته است. هم‌چنین سان دیگان^۱ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در خلیج فارس»^۲ به بررسی و تحلیل در مورد پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج فارس به خصوص بعد از ۱۱ سپتامبر می‌پردازد.

بر این اساس، در بیش‌تر ادبیات مطروح شده، بازدارندگی ایران همواره با موضوع تسلیحات هسته‌ای گره خورده است. حال آنکه پرداختن به ابعاد مختلف بازدارندگی متعارف منطقه‌ای ایران موضوعی در خور تأمل فراوان است. هم‌چنین در ادبیات مربوط به پایگاه‌سازی نظامی، بیش‌تر آثار به توصیف موضوع بدون پیوند با پشتوانه نظری بسنده می‌کنند. پژوهش حاضر، اما در پی پیوند پایگاه‌سازی نظامی با مؤلفه‌های بازدارندگی منطقه‌ای به‌عنوان یکی از نظریه‌های مهم روابط بین‌الملل می‌باشد.

پرسش تحقیق

سؤال مهمی که مطرح می‌شود، این است که پایگاه‌سازی نظامی در منطقه غرب آسیا چه تأثیری بر مدل بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد؟

فرضیه تحقیق

در پاسخ به سؤال مذکور پژوهش حاضر بر این باور است که؛ پایگاه‌سازی سیستم هژمونیک به رهبری آمریکا در غرب آسیا با تغییر نوع تهدیدات، توانایی اعمال تهدیدات و اعتبارسازی چنین تهدیداتی از یک سو سبب می‌گردد که ایران با محدودیت چرخه راهبردی روبرو شود و از سوی دیگر، با داشتن فرصت‌ها و مزیت‌های متعددی در دفاع، راهبرد دفاع را برگزیده و بازدارندگی دفاعی را در دستور کار راهبردی خود قرار دهد، اما پایگاه‌های مذکور مدل بازدارندگی دیپلماسی را به سمت بازدارندگی مثلی غیرمستقیم تغییر جهت می‌دهد و به همین سبب، دیپلماسی دفاعی می‌تواند در خدمت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

۱ - SUN Degang

۲ - The US Military Bases in the Gulf

روش پژوهش

به‌منظور بررسی و ترسیم مدل جایگاه پایگاه‌های نظامی در بازدارندگی منطقه‌ای، با استفاده از روش قیاسی، از اصول و یافته‌های علمی موجود در حوزه روابط بین‌الملل، به‌ویژه در حوزه بازدارندگی منطقه‌ای بهره‌گیری می‌شود؛ و در ادامه با استفاده از روش مطالعه موردی، به‌طور خاص راهبردهای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا در ارتباط با پایگاه‌سازی خارجی، در قالب مدل ترسیم شده و مبتنی بر بنیان‌های مفهومی پژوهش، مورد تبیین و تحلیل قرار خواهد گرفت.

بنیان‌های نظری و مفهومی پژوهش

در ادبیات و متون راهبردی بحث‌های نظری و مفهوم‌سازی درمورد پایگاه‌های نظامی کمتر صورت گرفته است. مبنای نظری این پژوهش بازدارندگی منطقه‌ای و پیوند آن با مفهوم پایگاه‌سازی در مناطق است. سؤالی که مطرح می‌شود اینکه پایگاه‌های نظامی خارجی چگونه بر بازدارندگی منطقه‌ای تأثیر می‌گذارند؟ در پاسخ به این سؤال، ضروری به نظر می‌رسد، مفهوم بازدارندگی با تمرکز بر قدرت هژمون و مفاهیمی مانند تهدیدات، اعتباربخشی به تهدیدات و توانایی اعمال تهدیدات مورد واکاوی قرار گیرد.

رویکردی مفهومی بر بازدارندگی

بخش زیادی از ادبیات روابط بین‌الملل به مطالعه جنگ و بازدارندگی توجه دارد. نظریه بازدارندگی به دنبال شناسایی اصول اساسی حاکم بر بازدارندگی به‌عنوان یک راهبرد است. آغاز کاربرد واژه بازدارندگی در مطالعات راهبردی معاصر را معمولاً به دیدگاه‌های اولین نظریه‌پردازان نیروی هوایی در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ نسبت می‌دهند. آنها از خود می‌پرسیدند آیا تنها راه پیشگیری از حملات گسترده هوایی، نشان دادن ظرفیت مقابله به مثل به طرف مقابل است. در دنیای پس از جنگ دوم جهانی این صورت‌بندی اولیه تقویت گردید. این وضعیت به خاطر تسلیحات هسته‌ای بود. هرچه بیش‌تر آشکار می‌شد که انجام جنگ هسته‌ای

بدون خطر و بروز فاجعه‌ای تمام عیار امکان‌پذیر نیست، حزم و احتیاط برای مناقشات نیز بیش‌تر می‌گردید. (فریدمن، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۴)

یکی از ساده‌ترین و مؤثرترین تعاریف بازدارندگی توسط جورج و اسموک^۱ ارائه شد. آنها بازدارندگی را به‌عنوان اقناع حریف مبنی بر این که هزینه‌ها و یا خطرات ناشی از یک دوره از عمل او ممکن است سنگین‌تر از مزایای آن باشد، تعریف کرده‌اند. (George and Smoke, 1974:11)

پائول هاث^۲ بازدارندگی را به‌عنوان استفاده از اقدامات تلافی‌جویانه یک تهدید نظامی در تلاش برای متقاعد کردن دشمن که با استفاده از نیروی نظامی به دنبال دستیابی به اهداف خود است به اینکه هزینه بالای غیرقابل قبولی خواهد داشت، تعریف می‌کند. (Huth, 1988:11-15)

لارنس فریدمن^۳ بازدارندگی را به‌عنوان تلاش عمدی برای دستکاری رفتار دیگران از طریق تهدیدات مشروط توصیف می‌کند. تهدید بر اساس نظر فریدمن عبارت است از کنترل کافی بر اوضاع به منظور انکار گزینه‌های راهبردی طرف مقابل. (فریدمن، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۱) بر اساس نظر پاتریک مورگان^۴ ماهیت بازدارندگی این است که یک طرف به‌طور جدی با تهدید به ضرر طرف دیگر مانع از انجام کاری که نمی‌خواهد، شود. (Morgan, 2003: 1)

مفهوم اصلی بازدارندگی جلوگیری از حمله به وسیله اعتباربخشی به تهدیدات است. مدل بازدارندگی بر اساس پارادایم واقع‌گرایی سامان می‌یابد. بدین معنا که طبق پارادایم مذکور، به دلیل اینکه اصل آنارشی یا فقدان اقتدار عالی در نظام بین‌الملل حاکم است، امنیت به‌عنوان مهم‌ترین معطل کشورها مطرح می‌شود؛ چراکه هیچ مقامی خود را متعهد به حفظ آن نمی‌داند. اینجاست که خود یاری نمایان می‌شود که در آن هر واحدی مسئول حفظ امنیت خود باشد. از آنجا که قدرت بیش‌تر به معنای تأمین امنیت بیش‌تر می‌باشد. بنابراین، کشورها برای حفظ و افزایش قدرت در سیستم بین‌الملل اقدام می‌نمایند. در اینجاست که بسیاری از رفتار واحدها در

۱ - Alexander L. George and Richard Smoke

۲ - Paul Huth

۳ - Lawrence Freedman

۴ - Patrik Morgan

نظر یکدیگر به‌عنوان امری نامطلوب تصور می‌شود. در این خصوص پرسشی که مطرح خواهد شد این است که چگونه می‌توان از رفتارهای نامطلوب رقبا جلوگیری کرد؟ پاسخ سیستم بازدارندگی خواهد بود. (قاسمی، ۱۳۸۳: ۷۸-۷۱)

متغیرهای مؤثر بر نتایج بازدارندگی

اعتباربخشی به تهدیدات

در ادبیات راهبردی، تهدید معتبر غالباً معادل با تهدیداتی است که باورپذیر باشند. بر اساس بیان اسموک (۱۹۸۷) تهدیدات تنها زمانی باورپذیرند که اعمال آنها منطقی باشد. در نتیجه، تنها تهدیدات منطقی می‌تواند معتبر باشد. در نظریه بازدارندگی، تعریف رسمی از اعتبار با پیوند نظری بین تهدیداتی که معتبرند و تهدیداتی که منطقی و باورپذیرند، منطبق است. (Zagare, 2004:125)

اعتباربخشی به تهدیدات یکی از مؤلفه‌های اصلی بازدارندگی است. به دلیل اینکه تهدید غیرمعتبر می‌تواند توسط هر حریفی نادیده گرفته شود. اعتبار یک تهدید بازدارنده بر دو عامل استوار است. عامل نخست؛ برداشت دشمن بالقوه از توانایی کشور تهدیدکننده و عامل دوم، برداشت دشمن بالقوه از نیت و تمایل اجرای تهدیدات است. (Huth, 1988: 4) بنابراین، برای موفقیت سیاست‌های بازدارنده نیاز است که یک کشور این برداشت را در ذهن دشمن به وجود آورد که دارای ابزارهای فیزیکی برای انجام آن تهدید است و توانایی دستیابی و حفظ اراده سیاسی برای انجام این کار را دارد.

قابلیت و توانمندی‌ها

قابلیت‌های نظامی بین بازدارنده و مهاجم در تجزیه و تحلیل شرایط بازدارندگی بیش‌ترین توجه را به خود جلب کرده است. تغییر در توازن نظامی به نفع مدافع احتمال چالش را کمتر می‌کند، در حالی که تغییر در توازن نظامی به نفع رقیب احتمال چالش را بیش‌تر می‌کند. توافق ضمنی میان محققان این است که طرفی که بازدارندگی را اعمال می‌کند، باید تا حدودی به‌طور

مساوی و همسان با متجاوز، از سطح زور برخوردار باشد. با این حال، مورگان بیان می‌کند که برتری نظامی کلیدی برای بازدارندگی موفق نیست. (Huth & Russett, 1984: 501)

درگیر شدن در یک جنگ طولانی و فرسایشی نیز از جمله مواردی است که بازدارندگی را افزایش می‌دهد. داشتن قابلیت دفع حمله از همان ابتدا، و نیز توانمندی‌های نظامی توسط مدافع برای جلوگیری از پیروزی سریع و قاطع، چشم‌انداز بازدارندگی موفق را افزایش می‌دهد. این بدان معناست که بازدارندگی به بهترین شکل زمانی حاصل می‌شود که مهاجم بر این باور است که تنها راه برای او یک جنگ طولانی است. (Mearsheimer, 1983: 64) برتری کیفی - به‌عنوان مثال، فناوری برتر، سازمان نظامی، و روش‌های عملیاتی - یک راه برای افزایش بازدارندگی است. (Platias, 1994:59)

راهبرد

قابلیت‌های نظامی و راهبرد هر دو، با به‌کارگیری نیروهای مسلح برای دستیابی به اهداف نظامی و یا سیاسی، بخش جدایی‌ناپذیر از قدرت نظامی هستند. سیاست‌های نظامی مؤثر به‌عنوان عامل بازدارنده از هر تهاجمی است. (Arreguin-Toft, 2001: 99)

چگونگی به‌کارگیری نیروهای مسلح بسیار مهم است. بازدارندگی متعارف به‌طور مستقیم با راهبرد نظامی در ارتباط است، و یا بیش‌تر به‌طور خاص، با این موضوع که چگونه نیروهای مسلح یک کشور برای رسیدن به اهداف خاص میدان جنگ به کار گرفته می‌شوند. زمانی که رقبا دارای توانایی‌های نظامی برابر هستند، راهبرد تبدیل به یک عامل تعیین‌کننده در بازدارندگی می‌شود. بازدارندگی عمدتاً تابعی از راهبرد نظامی است. در تقابل دو کشور نابرابر، موفقیت دولت کوچک در منصرف کردن حمله احتمالی به شدت وابسته به راهبرد است که اتخاذ می‌کند. (Mearsheimer, 1983:7-28)

مقاصد و نیت‌ها

نظریه بازدارندگی کلاسیک بر اهمیت قدرت منافع به‌عنوان وسیله‌ای برای ایجاد تهدیدات معتبر بازدارندگی در برابر دشمن تأکید می‌کند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که

انگیزه‌های رقبا، به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده برای موفقیت یا شکست بازدارندگی است و با گذشت زمان، بیش‌تر در نظریه بازدارندگی مورد تأکید قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، فریدمن بیان می‌کند که به احتمال زیاد منافع نشان‌دهنده متغیر مستقل در بسیاری از شرایط بازدارندگی است. به همین ترتیب، مورگان بر این باور است که انگیزه‌های رقبا نقش بسیار مهمی در تعیین نتایج بازدارندگی بازی می‌کند. (Morgan, 2003: 288)

چانه‌زنی

در نظریه بازدارندگی، راهبرد چانه‌زنی به‌عنوان یک جزء از اعتبار بازدارندگی در نظر گرفته می‌شود. هاث، رفتار چانه‌زنی بازدارنده را به‌عنوان یک تابع از انتقال سیگنال به متجاوز در مورد منافع در خطر بازدارنده، مقاصد، و تصمیم‌ها تعریف می‌کند. به عقیده او فعالیت‌های نظامی و یا دیپلماتیک مدافعان می‌تواند اثرات قوی در مورد پیروزی یا شکست بازدارندگی داشته باشند. بر این اساس، داشتن انگیزه‌ها و نیت مثبت می‌تواند احتمال موفقیت بازدارندگی را افزایش دهد. سیاست‌های دیپلماتیک که شامل انعطاف‌پذیری و تمایل به سازش و مذاکره در مورد مسأله گذشته، همراه با امتناع از واگذاری امنیت حیاتی، احتمال موفقیت بازدارندگی را افزایش می‌دهد (Huth, 1999:37-38)

بازدارندگی منطقه‌ای

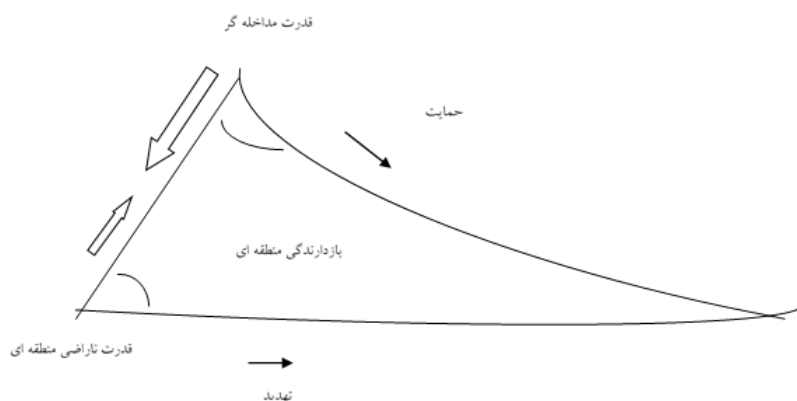
بازدارندگی منطقه‌ای با توجه به ساخت‌شناسی منطقه از دیدگاه کانتوری واشپیگل که از سه بخش مرکز، پیرامون و مداخله‌گر تشکیل شده، دارای چهارگونه احتمالی از واحدهای زیر است که عبارتند از:

- قدرت مداخله‌گر منطقه‌ای؛
- قدرت‌های تحت‌الحمايه قدرت مداخله‌گر در درون منطقه؛
- قدرت یا قدرت‌های ناراضی منطقه‌ای؛
- سایر واحدهای درون منطقه‌ای.

در این راستا، مدل بازدارندگی منطقه‌ای از کنش متقابل بین واحدهایی شکل می‌گیرد که در بیش‌تر مواقع از قدرت نامتقارن با یکدیگر برخوردارند. به عبارتی از آنجا که منطقه همیشه از جزئی به نام مداخله‌گر برخوردار که از قدرت‌های بزرگ سیستم بین‌المللی است. بنابراین، در بیش‌تر مواقع می‌توان نوعی عدم تقارن قدرت نظامی را در مدل بازدارندگی منطقه‌ای که میان قدرت مداخله‌گر و قدرت ناراضی منطقه‌ای نمایان می‌شود، مشاهده کرد. بنابراین، نوعی بازی راهبردی نابرابر به وجود می‌آید که در این حالت معمولاً برای تحقق بازدارندگی و تحقق شرایط لازم، مدل‌های شبکه‌ای و غیرمستقیم بازدارندگی رایج می‌شوند. بدین لحاظ به‌طور کلی سه نوع سیستم بازدارندگی از رواج بیش‌تری در امور منطقه‌ای برخوردارند که عبارتند از:

- بازدارندگی یکجانبه منطقه‌ای؛
- بازدارندگی شبکه‌ای؛
- بازدارندگی غیرمستقیم. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۰)

هژمون به‌عنوان قدرت مسلط در نظام بین‌الملل برای حفظ قدرت خویش سازوکارهایی در نظر می‌گیرد که یکی از این سازوکارها پایگاه‌سازی است. در تقابل قدرت‌های ناراضی منطقه‌ای و هژمون، پایگاه‌های نظامی به‌عنوان الزاماتی برای اعمال تهدیدات و اعتباربخشی به این تهدیدات ضرورت می‌یابد. بر این اساس، پایگاه‌سازی و ایجاد پایگاه‌های متعدد نظامی در حوزه مناطق مختلف از سوی هژمون، اعتبارسازی برای تهدیدات بازدارنده است. این تهدیدات بیش‌تر از همه متوجه قدرت‌های ناراضی منطقه‌ای می‌باشد. پایگاه‌های نظامی خارجی کیلومترها دورتر از کشور ایجادکننده آن نوعی واقعیت بخشیدن به تهدیداتی است که قدرت مداخله‌گر برای کنترل و محافظت از منافع خود در پی اعمال آن است.



شکل شماره ۱: بازدارندگی مثلی غیرمستقیم

جایگاه پایگاه‌های نظامی در بازدارندگی منطقه‌ای

اصولاً در حوزه منطقه‌ای، به دلیل حضور قدرت مداخله‌گر به‌عنوان قدرت جهانی، نوعی عدم تقارن راهبردی بین طرف‌ها وجود خواهد داشت. به دلیل عدم تقارن مذکور، شناخت راهبردهای طرف مقابل و طراحی راهبرد خنثی‌کننده، از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و به این سبب یکی از موضوعات مهم در بازدارندگی منطقه‌ای در دسترس بودن تنوعی از راهبردهای احتمالی است. بازی‌های بازدارندگی منطقه‌ای در اغلب موارد از نوع بازی‌های نابرابرند. در چنین بازی‌هایی باید به راهبردهایی دست یافت که بازدارندگی امکان‌پذیر شود. از جمله افزایش سطح هزینه‌های اقدام حریف و شبکه‌سازی که معمولاً بازیگران ضعیف‌تر در برابر واحدهای قوی‌تر و مداخله‌گر در پیش می‌گیرند. (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۸۰-۳۷۹)

قدرت مداخله‌گر تلاش می‌کند تا پایگاه‌هایی را در مناطق آشوب و کانون‌های بحران، جایی که معمولاً یک یا چند قدرت ناراضی منطقه‌ای قرار گرفته‌اند، ایجاد نماید. این پایگاه‌ها که اغلب در قلمرو متحدان منطقه‌ای ایجاد می‌شوند؛ در واقع، بعد سخت‌افزاری تهدیدات بازدارنده را شامل می‌شود. بر این اساس، مهم‌ترین تأثیر پایگاه‌های نظامی در مناطق عبارتند از:

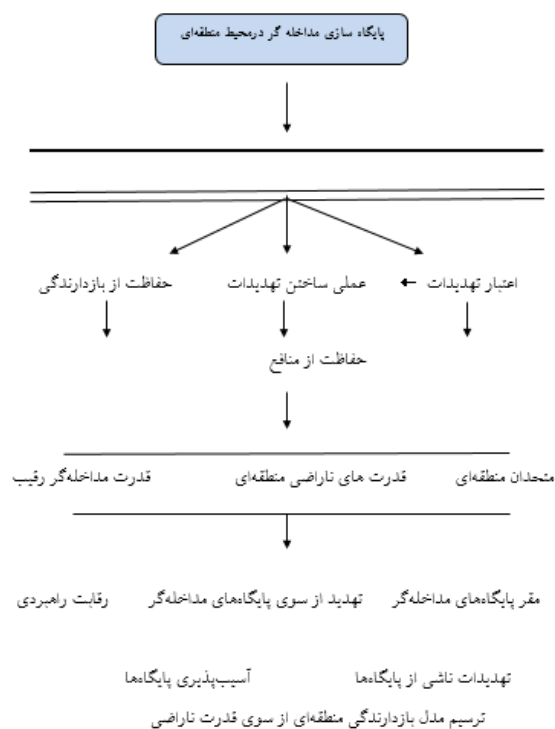
- اعتبار تهدیدات؛

- عملی ساختن تهدیدات؛
- حفاظت از بازدارندگی؛
- حفاظت از منافع.

ایجاد پایگاه‌های نظامی با داشتن نیروها و تجهیزات نظامی به معنای عملی ساختن تهدیدات در زمان مناسب است. از منظر هژمونیک قدرت‌های ناراضی منطقه‌ای مهم‌ترین تهدیدات را برای هژمون ایجاد می‌نمایند. در کنار اهداف اقتصادی، نظامی و سیاسی، پایگاه‌ها دارای ابعاد نمادین و روانی است. ایجاد پایگاه‌های نظامی نشان‌دهنده توانایی قدرت ایجادکننده آن به حضور و تأثیرگذاری در سایر مناطق است.

ایجاد بازدارندگی بسیار مهم است، با این حال هدف کلی حفظ آن در طول زمان است. یکی دیگر از کارویژه‌های پایگاه‌های نظامی محافظت از شرایط بازدارندگی ایجادشده در مناطق است. نگرانی اصلی هژمون باقی ماندن در چرخه راهبردی قدرت است، بر این اساس پایگاه‌ها به‌عنوان بازوهای کنترل‌کننده برای قدرت مذکور عمل خواهند نمود.

دیگر کارویژه مهم پایگاه‌سازی درحوزه‌های منطقه‌ای حفاظت از منافع موجود برای قدرت مداخله‌گر و هژمون است. این موضوع به خصوص در مناطقی که دارای منابع و یا منافع برای قدرت مداخله‌گر و هژمون باشد، نمود بیش‌تری می‌یابد. در همین راستا، به مناطق دارای منابع انرژی به خصوص، توجه جدی‌تری می‌گردد.



شکل شماره ۲: مدل تحلیلی جایگاه پایگاه‌های نظامی در بازدارندگی منطقه‌ای

آمریکا و پایگاه‌سازی در مناطق

ایالات متحده آخرین قدرت در چرخه هژمونیک و در جهان امروز، دارای گسترده‌ترین سیستم پایگاهی در جهان است. پایگاه‌های نظامی، قابل رؤیت‌ترین محور از حضور نظامی آمریکا در خارج از آن کشور است. تعداد گسترده این پایگاه‌ها نشان‌دهنده درک معتبر از نقش و اهمیت جغرافیا در گفتمان راهبردی آمریکاست. سیاست‌های امنیتی جدید، بررسی جامع از مأموریت‌ها و وظایف ارتش ایالات متحده را به‌ویژه در پرتو تهدیدات مربوط به کشورها و قدرت‌های ناراضی در مناطق و منازعات منطقه‌ای ضروری ساخت. جنگ در افغانستان و عراق یکی از نتایج این نگرش بود و فرایند پایگاه‌سازی ایالات متحده را تحت تأثیر قرار داد. جنگ

علیه ترور و اشغال عراق نقش شبکه جهانی، پایگاه‌های نظامی آمریکا را در حفاظت و پیشبرد منافع آمریکا برجسته نمود.

یازده سپتامبر را می‌توان نقطه عطف مهمی در سیاست خارجی آمریکا از حیث کاربرد سیاست زور و گرایش به راهبرد پیش‌دستانه یا به عبارت دیگر دستوری شدن هژمون به شمار آورد. (Cox.2002:260-271)

پس از ۱۱ سپتامبر، پایگاه‌های نظامی آمریکا در مناطق مختلف به خصوص غرب آسیا، آسیای مرکزی و قفقاز گسترش یافته است. این گسترش به معنای ارسال سیگنال‌هایی مبنی بر توانایی و تمایل ایالات متحده برای کنترل حوادث در دیگر مناطق است. بر این اساس، امروزه، نقش‌های سنتی پایگاه‌ها مانند دفاع از یک متحد یا متحدان، بازدارندگی و موازنه عملکرد هم‌چنان مطرح باقی مانده است.

جایگاه پایگاه‌های نظامی در بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران

اصولاً تهدیدات، در شکل‌دهی به سیستم بازدارندگی بیش‌ترین نقش را دارا می‌باشند و در مقابل تهدیدات رقیب یا رقباست که بازدارندگی ایجاد می‌گردد. امروزه محیط بین‌المللی تغییر کرده است، و تهدیدات تنها منحصر به تهدیدات نظامی نمی‌باشد، بلکه شامل طیف وسیعی از تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... است. با وجود این، تهدیدات نظامی از گذشته دور تاکنون مهم‌ترین شکل آن است که بقای یک واحد سیاسی را به‌طور جدی در معرض خطر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، سایر اشکال تهدید نیز تنها در صورت وجود قدرت و زور می‌توانند معتبر باشند. بنابراین، قدرت نظامی برای اعتباربخشی به تهدیدات لازم و ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس، پایگاه‌های نظامی به‌عنوان ابزاری برای اعتباربخشی و نیز توانایی اعمال تهدید در خدمت سایر اشکال تهدید قرار می‌گیرد.

همجواری و وجود حوزه‌های راهبردی مشترک، سبب تداخل منافع کشورها و در نتیجه تهدیدات راهبردی خواهد شد. هم‌چنین اعمال تهدیدات علیه کشورها نیز مستلزم حوزه مکانی است که مناطق این امکان را فراهم می‌آورند. سیستم مدیریت و کنترل مرکزی نیز از مناطق به

منظور تسهیل مدیریت خود بهره می‌برد. که همین موضوع بازدارندگی منطقه‌ای را از منظر واحدهای درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای برجسته می‌سازد. جمهوری اسلامی نیز به‌عنوان یکی از واحدهای سیستم بین‌الملل و یکی از واحدهایی که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی در حد واسط چندین منطقه قرار گرفته، با فرصت‌ها و تهدیدات منطقه‌ای مختلف به ویژه از ناحیه قدرت مداخله‌گر روبرو شده و به‌منظور جلوگیری از عملی شدن تهدیدات مذکور، بازدارندگی منطقه‌ای از جمله ضرورت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۵۸-۵۷)

پایگاه‌های نظامی نه در خلأ بلکه در محیط منطقه‌ای شکل می‌گیرد؛ بنابراین، در تحلیل بازدارندگی منطقه‌ای نمی‌توانند به صورت مستقل مورد تحلیل قرار گیرند، بلکه متغیرهای موجود در محیط منطقه‌ای در این میان دخیل می‌باشند. به منظور ترسیم چشم‌انداز بازدارندگی منطقه‌ای ایران در برابر پایگاه‌های نظامی ضروری است تا به محیط منطقه‌ای، بین‌المللی و نیز رابطه حاکم میان دو کشور توجه گردد. بر این اساس، جایگاه پایگاه‌های نظامی آمریکا در بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا را که حوزه راهبردی ایران محسوب می‌گردد، از دو منظر می‌توان مورد بررسی قرار داد:

- تهدیدات ناشی از پایگاه‌های نظامی؛
- آسیب‌پذیری پایگاه‌های نظامی.

در صورت عملی شدن تهدیدات علیه ایران، پایگاه‌های نظامی مهم‌ترین ابزار اعمال تهدیدات از سوی آمریکا است. این پایگاه‌ها در درجه نخست اعتباربخشی به تهدیدات بازدارنده از سوی آمریکا علیه ایران یا هر قدرت ناراضی منطقه‌ای است و در درجه دوم توانایی اعمال تهدیدات بازدارنده را ایجاد می‌نماید. بدین ترتیب، پایگاه‌های نظامی در حوزه بازدارندگی آمریکا از اهمیت خاصی برخوردار است و از ناحیه پایگاه‌های نظامی آمریکا تهدیدات متنوعی متوجه ایران می‌گردد.

هم‌چنان که وجود پایگاه‌های نظامی در محیط منطقه می‌تواند به مثابه تهدیداتی برای ایران و سایر کشورهای منطقه تلقی گردد، هم‌چنین می‌تواند مورد تهدید واقع گردد. یک وجه این آسیب‌پذیری قرار گرفتن این پایگاه‌ها در کشورهای متحد آمریکا است. بر اساس این ویژگی، مدل بازدارندگی ایران به سمت بازدارندگی مثلثی غیرمستقیم میل پیدا می‌کند؛ و در صورت بروز درگیری احتمالی بین ایران و آمریکا می‌تواند از سوی ایران به‌عنوان نقاط هدف مورد تهدید قرار گیرد. در این صورت، تهدید علیه متحدان آمریکا در واقع تهدید علیه خود آمریکا تلقی می‌گردد. این موضوع با توجه به موقعیت راهبردی ایران در منطقه غرب آسیا می‌تواند به‌عنوان یکی از نقاط قوت ایران در بازدارندگی منطقه‌ای تلقی گردد. هم‌چنین تهدیدات نامتقارنی که می‌تواند از ناحیه گروه‌های نظیر القاعده و گروه‌های ضدانشغال صورت گیرد، از جمله تهدیدات نامتقارنی است که می‌تواند این پایگاه‌ها را تهدید نماید.

راهبردهای بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با توجه به پایگاه‌های نظامی

تهدیدات و آسیب‌پذیری پایگاه‌های نظامی عناصری هستند که مدل بازدارندگی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از جمله حوزه‌های متأثر از این تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها عبارتند از:

- تأثیر بر حوزه راهبردی ایران؛
- تأثیر بر روی ابزارهای راهبردی ایران؛
- تأثیر بر راهبردهای دفاع جمهوری اسلامی ایران.

ایجاد بازدارندگی در محیط راهبردی و حوزه‌های راهبردی اعم از حوزه‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری معنا و مفهوم پیدا می‌کند. بازدارندگی از فرصت‌ها و محدودیت‌های این حوزه در جهت اعتباربخشی خود بهره می‌برد. (قاسمی، ۱۰۳: ۱۳۸۶)

پایگاه‌های موجود در اطراف ایران به‌طور بالقوه می‌توانند امنیت ملی ایران را در معرض خطر قرار دهند. در نتیجه حوزه راهبردی ایران را تحت تأثیر آنها قرار خواهد گرفت. استقرار این پایگاه‌ها در کشورهای مختلف غرب آسیا، خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز و نیز آسیای جنوب غربی این مناطق را در حوزه راهبردی ایران وارد می‌نماید. به‌طور منطقی در این حوزه راهبردی خلیج فارس

بیش از شمال آفریقا می‌تواند بر امنیت ایران تأثیرگذار باشد. با وجود این، در تدوین راهبردها نباید هیچ‌یک از این مناطق را کم اهمیت تلقی نمود. حوزه راهبردی ایران را هم‌چنین نمی‌توان تنها در بعد امنیتی نظامی آن در نظر گرفت، بلکه پیوندهای اقتصادی و فرهنگی نیز در این حوزه بسیار مهم است و می‌تواند بر نتایج بازدارندگی منطقه‌ای تأثیرگذار باشد.

هم‌چنین استقرار پایگاه‌ها در محیط منطقه‌ای ایران، ابزارهای راهبردی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تأثیرگذاری از یک سو ناشی از عنصر فاصله پایگاه‌ها و قرارگرفتن در خارج از مرزهاست و از سوی دیگر، ناشی از رهنامه دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران است که بر اساس آن تنها بازدارندگی متعارف در دستور کار قرار گرفته است. در نتیجه، وجود فاصله تنها برخی از ابزارهای راهبردی ایران را برای مقابله و ایجاد بازدارندگی مؤثر می‌سازد و برای واکنش سریع وسایل هدف‌گیری و پرتاب می‌تواند از کارایی برخوردار باشد. هم‌چنین نیروهای راهبردی مستقر در نزدیکی پایگاه‌ها نیز از این ویژگی برخوردار می‌باشد. نیروی دریایی به‌عنوان نیرویی که امکان استقرار در خارج از خاک ایران را داراست، با استفاده از تسلیحات و وسایل هدف‌گیری و انهدام می‌تواند بازدارندگی ایجاد نماید. آنچه نتیجه می‌شود اینکه در این حوزه با به کارگیری نیروهای متعارف نیز می‌توان بازدارندگی ایجاد نمود. هم‌چنین در ارتباط با پایگاه‌ها می‌توان از سلاح‌های کوتاه‌برد و میان‌برد بهره گرفت که در این میان موشک‌های بالستیک از مهم‌ترین ابزار راهبردی می‌باشد که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سامانه‌های موشکی و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران

سامانه‌های موشکی به‌عنوان یک عنصر اساسی در مفهوم بازدارندگی در قرن ۲۱ توسعه یافته است. در حوزه منطقه‌ای، موشک‌های بالستیک ابزاری برای کشورهای منطقه که راهبردهای نامتقارن را در تقابل با قدرت‌های بزرگ‌تر دنبال می‌کنند، می‌باشد. هم‌چنین یک انگیزه اقتصادی برای دستیابی به موشک‌های بالستیک این است که آنها اغلب ارزان‌تر از به کارگیری و حفظ نیروهای بزرگ متعارف است. (Kadry Said, 2001:50)

موشک‌های بالستیک دارای سه ویژگی هستند که آنها را برای بازدارندگی متعارف ایده‌ال می‌کنند: توانایی نفوذ در شبکه دفاعی دشمن، قابلیت بقای قبل از شلیک و برد نسبتاً زیاد. برای اولین بار موشک‌های بالستیک این امکان را برای کشورهای جهان سوم فراهم ساخته‌اند که اهدافی را مورد حمله قرار دهند که بسیار فراتر از مرزهای آنها و جنگنده‌های تاکتیکی‌شان قرار دارند. (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۸۴-۱۸۳)

علاوه بر این محیط امنیتی غرب آسیا نیز دارای خصوصیات است که سبب می‌شود موشک‌های بالستیک بتوانند نقش مهمی به‌عنوان ابزار بازدارندگی برای ایران داشته باشند. این دو عبارتند از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک در کشورهای همجوار. تعداد زیادی از کشورهای منطقه دارای موشک‌های بالستیک هستند. دستیابی ایران به این تسلیحات می‌تواند قدرت بازدارندگی متعارف ایران را ارتقا بخشد.

ایران بعد از جنگ با عراق شروع به توسعه برنامه موشک‌های بالستیک نموده است. جمهوری اسلامی ایران در دهه ۲۰۰۰، به صورت موفقیت‌آمیزی برنامه موشکی خود را توسعه داد و به موشک‌های کوتاه‌برد بالستیک (تا ۱۰۰۰ کیلومتر) مانند فاتح-۱۱۰ و شهاب ۲ دست یافت. هم‌چنین موشک‌هایی با برد متوسط (بین ۱۰۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر) مانند شهاب ۳ را تولید نموده است که با استفاده از آن این توانایی را دارد که رژیم صهیونیستی و بسیاری از پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا را مورد هدف قرار دهد و از این موشک‌ها به‌عنوان یک نیروی بازدارنده مهم و تلافی‌جویانه علیه آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه در صورت بروز جنگ استفاده خواهد کرد. با این حال، در راهبرد دفاعی خود هم‌چنان بر موشک‌های بالستیک متعارف کوتاه‌برد و میان‌برد تمرکز دارد. موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای (ICBM) بردی بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر دارد و این کشور را قادر می‌سازد تا اهدافی در سراسر اروپا و حتی ایالات متحده را تهدید نماید. بر این اساس، ایالات متحده همواره تلاش نموده تا با حمایت سیاسی و مادی از هم‌پیمانان منطقه‌ای، و با استفاده از فشارهای اقتصادی یک‌جانبه و چندجانبه دستیابی ایران به موشک‌های بالستیک را به تأخیر اندازد. عواقب ناشی از این

اقدامات بیش‌تر قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با توسعه برنامه هسته‌ای ایران و تحریم‌هایی علیه ایران بوده است. (Kuznetsov, 2012)

تقویت نیروهای نظامی با توجه به پیشرفت‌های فناورانه تأثیر مهمی در نتیجه بازدارندگی می‌گذارد. دستیابی به موشک‌های بالستیک برد کوتاه و متوسط را در همین راستا می‌توان ارزیابی نمود. یکی از ابعاد بازدارندگی ایران در ارتباط با پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا و به خصوص در اطراف مرزهای ایران برجسته نمودن توان موشکی ایران است. راه اندازی موشک‌های بالستیک در کشور به نوعی ارسال سیگنال‌های تهدید برای رقبای ایران در منطقه و از جمله پایگاه‌های نظامی آمریکاست. توانمندی موشکی به‌عنوان ابزاری کارآمد امکان عکس‌العمل سریع را به ایران می‌دهد. فرماندهان عالی‌رتبه نظامی ایران نیز تأکید کرده‌اند در صورت اقدام نظامی علیه ایران از سوی آمریکا، ایران بر تمام پایگاه‌های آن کشور مشرف است و این پایگاه‌ها در تیررس ایران بوده و می‌توانند از سوی ایران مورد تهدید و هدف‌گیری قرار گیرند. از نگاه ایران این پایگاه‌ها جزئی از خاک ایالات متحده محسوب می‌گردد.

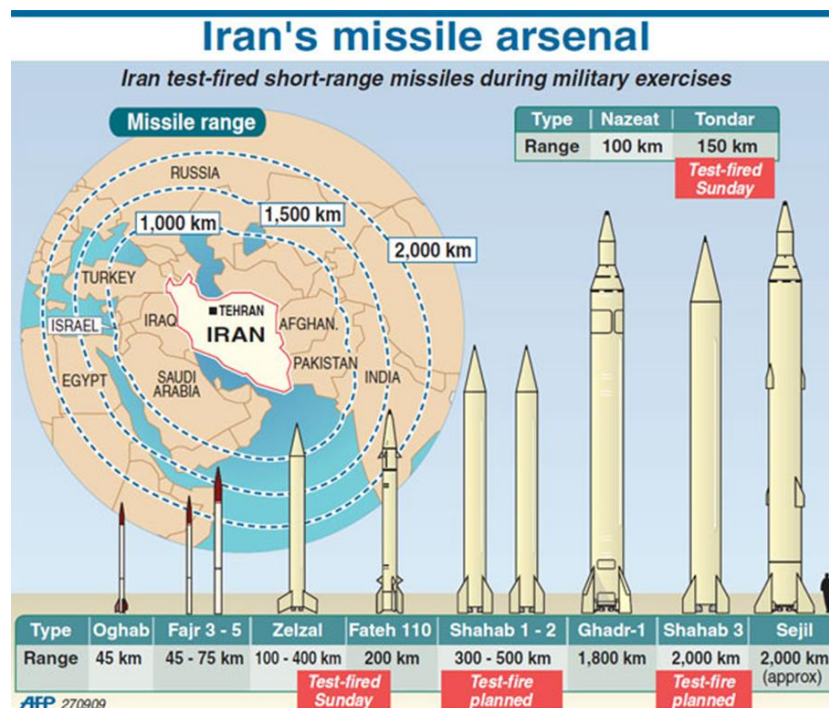
فرمانده نیروی هوا - فضای سپاه پاسداران در مصاحبه با العالم گفت: اصولاً جنگ بین ایران با رژیم صهیونیستی و یا آمریکا به صورت مستقل را نمی‌توان تصور کرد؛ یعنی هرکدام از این دو طرف شروع‌کننده جنگ باشد، دیگری نیز وارد جنگ خواهد شد. وی افزود: ما آمریکا و رژیم صهیونیستی را کاملاً در کنار هم می‌بینیم و اصلاً نمی‌توانیم متصور شویم که رژیم صهیونیستی بدون پشتیبانی آمریکا چنین جنگی را آغاز کند. به همین دلیل، در صورت بروز جنگ قطعاً ما با هر دو طرف وارد جنگ شده و حتماً با پایگاه‌های آمریکا درگیر خواهیم شد.... وی تأکید کرد: در صورت آغاز جنگ، پایگاه‌های آمریکا در کشورهای اطراف ما داخل کشورهای همسایه هدف قرار خواهند گرفت... این پایگاه‌ها از نظر ما حکم سرزمین و خاک آمریکا را دارد و اگر درگیر شویم، قطعاً این پایگاه‌ها را خواهیم زد. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱۰۷۰۲۰۰۱۲۱۲)

به نظر می‌رسد که نصب و راه‌اندازی سامانه‌های دفاع موشکی توسط آمریکا در کشورهای منطقه نیز پاسخی به تهدیدات موشکی ایران است. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز این

توان موشکی ایران را به مثابه تهدید می‌نگرند. بر این اساس، در حال حاضر یکی از ابعاد مهم بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، موشک‌های بالستیک است. این موشک‌ها که مهم‌ترین آنها موشک‌های میان‌برد شهاب ۳ با برد ۱۳۰۰ کیلومتر است، با قابلیت حمل کلاهک با وزن ۸۰۰ کیلوگرم، می‌توانند باعث تقویت قدرت بازدارندگی ایران در قبال تهدیدات منطقه‌ای شوند.

جدول شماره‌ی ۱: مشخصات برخی از موشک‌های ایران

مشخصات	نوع موشک
<ul style="list-style-type: none"> • زمین به زمین هدایت‌شونده • از جمله موشک‌های کوتاه‌برد • از سوخت جامد بهره می‌برد • دقت بالا در هدف‌گیری و انهدام اهداف تعیین‌شده • دقیق‌ترین موشک ایرانی 	فاتح -۱۱۰
<ul style="list-style-type: none"> • موشک زمین به زمین میان‌برد • قابلیت جدایش بدنه و سرچنگی • با سوخت مایع به پرواز در می‌آید 	شهاب ۳
<ul style="list-style-type: none"> • نخستین موشک زمین به زمین برد بلند دو مرحله‌ای در کشور • با سوخت جامد • برد عملیاتی نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتر • دقت بسیار بالا • زمان بسیار کوتاه آماده‌سازی و عملیاتی شدن سامانه پرتاب و انتقال سایت پرتاب پس از شلیک • قابلیت‌های لانچر متحرک و حمل موشک آماده شلیک 	سجیل
<ul style="list-style-type: none"> • برد ۲۰۰ کیلومتر • قابلیت آماده‌سازی و واکنش سریع • اهداف دریایی از جمله ناوچه‌ها و ناوهای جنگی و اهداف ساحلی دشمن را منهدم می‌کند 	قادر
<ul style="list-style-type: none"> • با سوخت جامد از جمله مهم‌ترین راکت‌هایی است که می‌توان اهداف و پایگاه‌های دشمن در اطراف ایران را در فواصل کوتاه مورد هجوم قرار دهد. 	زلزال



شکل شماره ۳: برد موشک‌های ایران (source <http://rpdefense.over-blog.com/tag/Missile/48>)

پایگاه‌های نظامی هم‌چنین می‌تواند بر روی راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران مؤثر واقع گردد. توضیح اینکه گرچه کشور ایران دارای عمق راهبردی است، اما وجود پایگاه‌های نظامی ضروری می‌سازد که راهبرد دفاعی ایران از دفاع در عمق به دفاع برون‌مرزی یا منطقه‌ای تغییر یابد. دفاع منطقه‌ای موجب تقویت قدرت بازدارندگی ایران می‌گردد. در راهبرد دفاع برون‌مرزی نیروی دریایی به‌عنوان یک نیروی راهبردی و اصلی مطرح می‌گردد؛ چراکه این قابلیت و ظرفیت را داراست که فراتر از مرزهای کشور مستقر و حضور یابد. این حضور به‌ویژه در منطقه خلیج فارس که درصد زیادی از پایگاه‌های نظامی آمریکا در آن قرار گرفته است، کاملاً حس می‌گردد.

با وجود این، نیروهای نظامی ایران علاوه بر این که از حیث کمیت یکی از بزرگ‌ترین نیروهای نظامی در غرب آسیاست، از حیث کیفیت نیز کارآمدی بالایی دارند. تجارب دفاعی و

تمرین‌های متنوع در میان نیروهای نظامی ایران آنها را در سطح مطلوبی از آمادگی نگه داشته است. وجود تهدیدات متنوع در محیط منطقه‌ای ایران، به خصوص از ناحیه قدرت مداخله‌گر موجب تقویت موضع دفاعی ایران می‌گردد. با وجود این، نمی‌توان در نبردهای امروز صرفاً بر نیروهای نظامی متکی بود، بلکه فناوری نظامی نیز به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اعتبارسازی به تهدیدات عاملی تعیین‌کننده در نظر گرفته می‌شود.

از سوی دیگر، برگزیدن راهبرد دفاع از سوی ایران به دلیل داشتن مزیت در دفاع می‌تواند بازدارندگی ایران را افزایش دهد. ایران سرزمینی است که در طول تاریخ توانسته است از این مزیت دفاعی استفاده برده و انسجام سرزمینی خود را در مقابل تهدیدها و هجوم‌های متعدد حفظ نماید. وجود ناهمواری‌ها، عمق راهبردی، داشتن مرزهای طولانی، تنوع جغرافیایی، دفاع غیرنظامی، گره خوردن باورهای مذهبی با دفاع از جمله این مزیت‌ها می‌باشد. عمق راهبردی پیشروی سریع دشمن را دشوار می‌سازد. وسعت ایران و وجود مرزهای طولانی خود مانع عمده‌ای در احاطه آن از سوی نیروهای متخاصم خارجی است.

تنوع جغرافیایی مشخصه‌ای است به کارگیری نیروهای نظامی متناسب با هر منطقه را الزامی می‌سازد و از قدرت مانور دشمن می‌کاهد. وجود ناهمواری‌ها و تنوع آب و هوایی از مصادیق این تنوع می‌باشد.

گره خوردن باورهای مذهبی با دفاع از کشور و نهادینه شدن آن در اثر فرهنگ تولید شده و به جا مانده از سال‌های گذشته خود به‌عنوان یک عامل قوی در جهت دفاع مردمی و غیرنظامی عمل نموده و بازدارندگی ایران را افزایش می‌دهد.

نکته‌ای که در مورد قدرت دفاعی و بازدارندگی ایران قابل توجه است تکیه بر سلاح‌های متعارف بومی است. ایران پس از جنگ با عراق به دنبال تقویت بنیه دفاعی خود برآمد و در این راه تأکید بر ساخت و تولید تسلیحات دفاعی متعارف در ایران بوده است که در این راستا می‌توان به تلاش برای خودکفایی نظامی، ساخت تجهیزات کارآمد نظامی، برگزاری رزمایش‌های متعدد نظامی جهت حفظ آمادگی و نمایش توان رزمی نیروهای مسلح، افزایش

آمادگی و تخصص نیروهای نظامی خود و... اشاره کرد. با وجود این، ضروری به نظر می‌رسد تا جمهوری اسلامی ایران در تدوین راهبرد بازدارندگی منطقه‌ای، علاوه بر تقویت توانمندی‌های دفاعی و توجه به مزیت‌های بومی خود، با تحکیم پیوندهای امنیتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، فناورانه و... با واحدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به تقویت بازدارندگی خود و افزایش هزینه اقدام رقیب در مقابل حضور و تهدیدات متنوع ایالات متحده در منطقه که بیش‌تر با اتکا به پایگاه‌های نظامی صورت می‌گیرد، بپردازد.

دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در تقویت بازدارندگی

دیپلماسی یکی از ابزارهایی است که می‌تواند به مناسبات کشورها چارچوب ببخشد و هدایت و راهبری آن را در مسیری هماهنگ قرار دهد. در این میان، شکل مناسبات هر کشور در هر حوزه‌ای توسط نهادهای مسئول آن حوزه هدایت می‌شود و در این راستا، حوزه مناسبات دفاعی و امنیتی از جمله حوزه‌هایی است که زیر عنوان «دیپلماسی دفاعی» شکل گرفته است.

دیپلماسی دفاعی، بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی، گفتگو، تعامل و همه ابزارهای غیرقهری برای پیشبرد هدف‌ها و کارویژه‌های دفاعی است که در آن حداکثر بهره‌گیری از ابزارهای غیرنظامی برای کسب بالاترین هدف‌های دفاعی و در نهایت هدف‌های ملی مدنظر قرار می‌گیرد. در واقع، دیپلماسی دفاعی، بخشی از قدرت ملی است که در کنار سیاست خارجی، منابع اعمال قدرت برای بالا بردن ظرفیت اقدام یک کشور در روابط خارجی (دو یا چندجانبه) را تشکیل می‌دهد. (ساعد، ۶۴: ۱۳۸۹)

بسط دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و گسترش همکاری‌های دفاعی امنیتی با کشورهای منطقه از جمله ارائه تجربیات دفاعی به آنها علاوه بر گسترش پیوندها می‌تواند بر مناسبات قدرت مداخله‌گر با این کشورها تأثیر گذارد.

هم‌چنین بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در سیاست خارجی نیز می‌تواند راهگشا باشد. دیپلماسی فعال در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای توان بازدارندگی را افزایش خواهد داد. از طریق چانه‌زنی و به کارگیری یک دیپلماسی فعال می‌توان بسیاری از تهدیدات علیه خود را کاهش داد. در

چنین چارچوبی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر فعال منطقه‌ای در حوزه غرب آسیا، باید تلاش نماید تا در روندهای منطقه‌ای به صورت فعالانه شرکت کند. بهترین شیوه در تحقق ثبات و امنیت منطقه از طریق «همگرایی امنیتی» و «همکاری‌های اقتصادی» است.

در حوزه دیپلماسی اقتصادی ایران باید هم پیوندی‌های اقتصادی خود را با منطقه پیرامون خود گسترش داده و متنوع نماید. اتفاقاً نیاز کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به انرژی کاملاً زمینه را برای ایران مهیا نموده است. پیوندهای منطقه‌ای به معنای ایجاد روابط متنوع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... با واحدهای منطقه‌ای است و باعث می‌گردد که نوعی اشتراک منافع با ایران برای آنها ایجاد گردد و در صورت تهدید و اقدام علیه ایران، منافع آن کشورها در منطقه نیز مورد تهدید قرار گیرد. در این صورت، هزینه اقدام رقیب یا رقبا افزایش یافته که این خود ایجادکننده بازدارندگی است. به‌طور مثال، می‌توان از خطلوله گاز ایران، هند و پاکستان در صورت اجرایی شدن نام برد که منافع آن دو کشور را با ایران پیوند می‌دهد. (قاسمی، ۴۵۶: ۱۳۹۰)

در حوزه دیپلماسی فرهنگی، ظرفیت فرهنگی ایران می‌تواند به‌عنوان ابزاری در این زمینه عمل نماید. حوزه فرهنگی، یکی از مهم‌ترین بستری‌هاست که ایران با ارتقای سطح و حجم همکاری با کشورهای منطقه، ضمن احیای ژئوکالچر خود به‌ویژه در آسیای مرکزی خواهد توانست زمینه همگرایی بیشتر در عرصه سیاست خارجی را فراهم نماید.

بر این اساس برخی از سیاست‌های پیشنهادی می‌تواند به این شرح باشد:

- گسترش قابلیت‌های دفاع منطقه‌ای و برون‌مرزی؛
- تقویت نیروی دریایی به‌عنوان نیروی راهبردی و حضور مداوم و فعالانه این نیرو در آب‌های بین‌المللی؛
- تقویت سامانه موشک‌های بالستیک در قالب تسلیحات متعارف در جهت تقویت بازدارندگی منطقه‌ای؛
- بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی و سیاست خارجی فعال برای ایجاد بازدارندگی منطقه‌ای؛

- ایجاد پیوندهای متنوع و گسترده با دیگر واحدهای منطقه‌ای (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و...);
- تقویت همگرایی و انسجام ملی با الویت نقاط مرزی؛
- کنترل مؤثر نقاط راهبردی؛
- ایجاد پیمان‌های دفاعی و امنیتی با کشورهای منطقه در جهت ثبات‌سازی.

نتیجه‌گیری

در ساخت بازدارندگی میان ایران و آمریکا، ایران به‌عنوان یک قدرت ناراضی منطقه‌ای در برابر قدرت مداخله‌گر قرار می‌گیرد. از ابزارهای مهم برای ایجاد و حفظ بازدارندگی منطقه‌ای و نیز اعمال تهدیدات بر علیه قدرت‌های ناراضی منطقه‌ای و از جمله ایران، بهره‌گیری از پایگاه‌های نظامی است که به خصوص پس از ۱۱ سپتامبر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس بیش از هر چیز در قالب پایگاه‌های نظامی تجلی می‌یابد. در جریان عملیات نظامی در افغانستان و عراق، نقش این پایگاه‌ها بیش از هر زمان دیگری آشکار شد و در تسلط آمریکا بر این مناطق نقش مؤثری ایفا نمود.

به منظور ترسیم چشم‌انداز بازدارندگی منطقه‌ای ایران در برابر پایگاه‌های نظامی ضروری است تا متغیرهای موجود در محیط منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد. با تغییر محیط راهبردی ایران، چرخه راهبردی آن کشور نیز تغییر یافت. از مهم‌ترین شاخصه‌های این تغییر، جنگ عراق علیه ایران و تهدیدات راهبردی آمریکا بوده است. بر این اساس، تهدیدات محیط منطقه‌ای و سیستمی به مثابه موانعی موجب محدودیت در چرخه راهبردی ایران گردیدند. بنابراین، مجموعه‌ای از متغیرها ایران را به سوی اتخاذ سیستم بازدارندگی سوق می‌دهد.

بر این اساس، ایران نیز به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تلاش می‌کند تا در برابر تهدیدات قدرت مداخله‌گر بازدارندگی ایجاد نماید و یکی از نخستین موضوعات در بازدارندگی ایران توجه به پایگاه‌های نظامی در منطقه و به خصوص در اطراف مرزهای ایران است. پایگاه‌های نظامی با ایجاد تهدیدات و هم‌چنین آسیب‌پذیری‌های خود موجب می‌گردد تا مدل بازدارندگی

ایران به سمت بازدارندگی مثلی غیرمستقیم میل نماید. بر این اساس، دیپلماسی نیز در اشکال گوناگون می‌تواند در خدمت بازدارندگی قرار گیرد.

محیط منطقه‌ای ایران یک محیط پرتنش است که در آن ایران باید تلاش نماید، علاوه بر تقویت قدرت دفاعی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در دیپلماسی و سیاست خارجی، محیط مذکور را برای پیگیری اهداف راهبردی خود مطلوب نماید.

منابع

فارسی

- ۱- خیرگزاری فارس (۹۱/۷/۲)، مصاحبه با فرمانده نیروی هوا - فضای سپاه، قابل دسترس در:
<http://farsnews.com/newstext.php?nn=13910702001212>
- ۲- دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۷۶)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، نشر قومس.
- ۳- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۰)، "واکاوی سیاست هسته‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران: آیا جمهوری اسلامی ایران به‌دنبال بازدارندگی منطقه‌ای است؟"، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره پنجاه و سوم.
- ۴- ساعد، نادر (۱۳۸۹)، دیپلماسی دفاعی: تأملی شناختی و کاوش در مبادی، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۳۱.
- ۵- صمدلی، فرزاد (۱۳۷۹)، تأسیس پایگاه نظامی آمریکا در آذربایجان و امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۹، صص ۶۶-۶۱.
- ۶- طارمی، کامران (۱۳۸۲)، تحلیلی بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۹، صص ۱۹۴-۱۷۹.
- ۷- عبدالسلام، محمد (۱۳۸۱)، گاوهای خشمگین: "بررسی علل و چگونگی حضور نظامی آمریکا در منطقه"، ترجمه مسعود رجیبی، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال اول، شماره ۵ و ۶.
- ۸- فریدمن، لارنس (۱۳۸۹)، بازدارندگی، ترجمه عسگر قهرمانپور بناب، روح‌الله طالبی ارانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۹- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۳)، نگرشی تئوریک بر مدل‌های جنگ و بازدارندگی بر اساس دیدگاه واقع‌گرایسی، سیاست دفاعی، سال سیزدهم، شماره ۴۹.
- ۱۰- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶)، نگرشی تئوریک بر طراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول، صص ۱۲۷-۹۷.

- ۱۱- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۸)، الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره سوم، صص ۸۳-۵۵.
- ۱۲- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران، نشر میزان.
- ۱۳- نصر، ولی و تکیه، ری (۱۳۸۶)، هزینه‌های بازدارندگی ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۶-۲۴۵.

انگلیسی

- 14- Arreguin-Toft, I (2001), How the Weak Win Wars: A Theory of Asymmetric Conflict, *International Security*, Vol. 26, No. 1.
- 15- Bill, James (1982), Power and Religion in Revolutionary Iran, *the Middle East Journal*, Vol.36, NO.1.
- 16- Chubin, Shahram (2009), Extended Deterrence and Iran, *Strategic Insights*, Vol. VIII, Issue. 5.
- 17- Cox, Michael (2002), American power before and after 11 September: dizzy with success? *International Affairs*, Vol.78, No.2.
- 18- Degang, sun (2010), The Us military Bases in the Gulf Cooperation Council States: Dynamics of Readjustment, *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, vol. 14.
- 19- George, L. Alexander & Smoke, Richard (1974), *Deterrence in American Foreign Policy: Theory and Practice*, New York, Columbia University Press.
- 20- Harkavy, Robert E (2007), *Strategic Basing and the Great Powers, 1200-2000*, New York, Routledge, Taylor & Francis.
- 21- Huth, P K & Russett, B (1984), What Makes Deterrence Work? *World Politics*, Vol. 36.
- 22- Huth, P K & Russett, B (1988), Reputations and Deterrence, *Security Studies*, Vol.7.
- 23- Huth, P K (1999), Deterrence and International Conflicts, *Empirical Findings and Theoretical Debates*, *Annual Review of Political Science*, Vol. 2.
- 24- Kadry Said, Mohamed (2001), Missile proliferation in the Middle East: a regional perspective, *Disarmament Forum*, United Nations Institute for Disarmament Research (UNIDIR), Vol. 2.
- 25- Lachowski, Zdzislaw (2007), Foreign Foreign Military Bases in Eurasia, SIPRI (Stockholm International Peace Research Institute) Policy Paper, No. 18.
- 26- Mearsheimer, JJ (1983), *Conventional Deterrence*, Ithaca, NY: Cornell University Press.
- 27- Moraitis, Tilemachos, Detering Iran, available at: <http://files.mgkworld.net/cipt/docs/CIPTdeteringIRAN.pdf>.

- 28- Morgan, P (2003), *Deterrence Now*, Cambridge, Cambridge University Press.
- 29- Parasiliti, Andrew (2009), *Iran: Diplomacy and Deterrence*, *Survival: Global Politics and Strategy*, Vol.51.
- 30- Platias, A G (1994), *Asymmetrical Deterrence*, In A. Klieman and A. Levite (Eds.), *Deterrence in the Middle East: Where Theory and Practice Converge* (pp. 45-62). Boulder, CO: Westview Press.
- 31- Rosecrance, Richard (1987), *long cycles theory and international relations*, *international organization*, vol.41, No.2.
- 32- Zagare, Frank C. (2004), *RECONCILING RATIONALITY WITH DETERRENCE*, *Journal of Theoretical Politics*, Vol.16, No.2..